

## بررسی پدیدارشناسانه تغییرات حس مکان در میدان شهدای مشهد

نویسنده : مجید لگزیان ، دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر ، دانشکده هنر دانشگاه نیشابور

Majidlegzian@gmail.com

## بررسی پدیدارشناسانه تغییرات حس مکان در میدان شهدای مشهد

### چکیده

علیرغم سابقه طولانی ساخت و ساز در تاریخ معاصر شهرسازی ایران، بررسی علمی رابطه انسان با محیط و نقد و تفسیر محیط مصنوع، از موضوعات مهم و جوان نقد هنری در سال های اخیر است. در این میان، ویژگی خاص مفروضات پدیدارشناسی، آن است که مردم و محیط در آن به طور تنگاتنگ به هم آمیخته اند. سوژه و ابژه یکپارچه اند و به یکدیگر شکل می دهند. در نتیجه امکان بررسی پدیده ها به صورت دست اول، خالص و رها از نظریات قبلی در آن بوجود می آید. با توجه به این جاذبه و نقش بی بدیل جهان زیسته شخصی پژوهشگر در این روش، تحقیقات متعددی توسط محققان ایرانی بر مبنای آن صورت گرفته است که متاسفانه عمدتاً بر بازخوانی مبانی نظری و ادبیات موضوع تاکید کرده اند. از آن رو اهتمام این تحقیق، ضمن آشنایی مختصر با ادبیات موضوع، ارائه یک نمونه عملی برای این روش با تکیه بر بازه زمانی سی ساله اخیر بوده است. روش تحقیق در این کار توصیفی-تحلیلی مبتنی بر پدیدارشناسی اول شخص میباشد. و ابزار جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای و میدانی است.

میدان شهدا به عنوان یکی از مهمترین عرصه های عمومی معاصر شهری در شهر مشهد، از آنجا که فشرده ای مدون و قابل ردیابی از تاریخ دگرگونی ها و تغییرات فضای معاصر شهری این شهر است، مورد بررسی واقع شده است. پرسشی که در اینجا مطرح می شود این است که کدام فاکتورها حس مکان را در میدان شهدای شهر مشهد شکل داده اند؟ براساس دیدگاه پدیدارشناسانه کریستین شولتز، "فضا" و "کاراکتر" مولفه های سازنده حس مکان می باشند و فرض ما در این است که تغییرات انسان ساخت در این میدان شهری و بخصوص طرح بازسازی مجموعه میدان شهدا، حس مکان را در این میدان دستخوش تغییراتی کرده است.

### کلمات کلیدی:

مشهد، میدان شهدا، پدیدارشناسی، مکان، حس مکان.

وقتی خانه ای در طول یک خیابان به طور معناداری به ما نزدیک است، در حالی که از نظر فیزیکی این نزدیکی وجود ندارد، این مثال روشن می کند که ما صرفاً به طور مادی در جهان قرار نگرفته ایم و فضا را اشغال نمی کنیم؛ به عکس ذهنیت انسانی به طور فعالی در محیط غوطه ور است در حالی که تفسیر و تأویل می کند، شهود می کند، حس می کند، به طور عاطفی و عقلانی پاسخ می دهد و به طور معناداری معنی و اهمیت آن را در مجموعه ای از ارزش ها تعیین می کند. ما در زندگی عادی هر چیزی را «مفهوم سازی» می کنیم، در حالی که دیگر مفاهیم قبلی خود را نیز به کار می گیریم تا هر چیزی را به چیزی غیر از آنچه واقعاً هست تبدیل کنیم. این مفهوم سازی سرآغاز تجربه و انس و فهم فضا است. هنگامی که انسان به مرور زمان با یک فضا انس می گیرد و نسبت به آن احساس تعلق خاطر پیدا می کند، این فضا برای او ارزشمند می شود و حس آشنا و نوستالژیکی در قبال آن فضا دارد. این فضا، مکان خوانده می شود. در واقع می توان گفت فضا فقط با حضور در آن و لمس کالبد آن احساس می شود و در جایی خارج از آن درک شدنی نیست، ولی مکان از آنجایی که قابلیت خاطره شدن دارد و در ذهن متبلور می شود، در ذهن خواهد ماند و در هر جای دیگری، قابل بازگویی است.

حس مکان مجموعه ای از حکایت ها و روایت های فردی و جمعی است که توأم با مکان رخ می دهد. در پدیدارشناختی مکان، تجربه اصلی ترین رکن در ادراک است. یکی از نقش های مهم معماری تحقق عینی حس مکان است، به گونه ای که از طریق چنین حسی، فضای انتزاعی به مکانی ملموس تبدیل شود و شخصیت خود را به دست آورد. (فلاح، ۱۳۸۵)

تصمیم گیران شهری در جهان مدرن، بدون توجه به این پایه ها و صرفاً با توجه به فضای شهرها به عنوان "محل تمرکز تکنولوژیک جمع آوری مازاد محصول" پرداختند. در این فضا و برای نقد دیدگاه کانتی و دوگانه سوژه\_ابژه بود که پدیدارشناسان پایه راه نهادند. در این دیدگاه انسان شیء اندیشنده و جهان شیء ممتد تصور شد و اندیشیدن معنای محاسبه یافت و عالم قابل اندازه گیری دانسته شد (هایدگر: ۱۳۸۶) حاصل این رخداد از نظر هایدگر سیطره تکنولوژی و تبدیل زمین به منبع و ذخیره برای تصرف انسان و بی معنا شدن جهان هستی است. در معماری نیز شارحین پدیدارشناسی و از جمله کریستین نوئنبرگ شولتز به بسط این رویکرد پرداختند و با تمرکز بر مفاهیم کیفی مانند "حس مکان" در جهت معنا بخشی به "زیست جهان" آدمی گام نهاده اند. توجه به این رویکرد در مطالعات کیفی فضا بسیاری از مشکلات استفاده کنندگان فضای شهری را در دوره معاصر مورد شناسایی قرار داده است و بنای عمل بسیاری از مراجع آکادمیک و اجرایی و مشوقی برای تحقیق پیرامون "حس مکان در میدان شهدای مشهد" بوده است.

میدان شهدای مشهد از میادین مهم مجاور حرم رضوی در شهر مشهد است و یکی از مهمترین مراکز تجمعات دولتی و نیز تجاری مشهد محسوب می شده است. این میدان از بدو شکل گیری که مقارن دوره توسعه آمرانه رضاخانی بوده است، با تغییر در فضای کالبدی اطراف خود نقش جدی بر ساکنین اطراف و مراجعین داشته است. در این تحقیق با فرض در نظر گرفتن ۳ دوره زمانی در حیات این میدان، از طریق مقایسه دو دوره اخیر (بازه ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ و نیز بازه ۱۳۸۰ تا تکمیل طرح) تغییرات حس مکان در میدان تحلیل می گردد.

همچنین مدل مورد استفاده از میان مطالعات نظری، مدل پدیدارشناسی کریستین شولتز میباشد که بر مولفه های فضا (شامل محصوریت و مرکزیت، دیالکتیک درون و بیرون، نیز مرز و قلمرو) و مولفه های کارا کتر (شامل جهت یابی یا خوانایی، شناسایی یا هویت یابی) پرداخته است. این مدل یکی از مهمترین مدل ها در بررسی کیفی فضای شهری است.

این تحقیق در پی آنست تا از طریق روش های کیفی، توجه مدیران و تصمیم گیرندگان شهری را به نتیجه اجرای یکی از طرح های مهم شهری در قالب مداخله کالبدی، جلب نماید. در این تحقیق این پرسش کلیدی مطرح می گردد که پدیدارشناسان چگونه "حس مکان" را تعریف میکنند و کدام روش و عوامل را برای بررسی و اعلام نظر به کار می گیرند؟ کدام مولفه ها حس مکان را در مخاطب شکل میدهند؟ و این مولفه ها چگونه "حس مکان" را در میدان شهدای مشهد، شکل داده اند؟ در پاسخ به این پرسش پس

از جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای پیرامون تاریخچه میدان شهدا، این میدان در سه دوره طبقه بندی و توضیح داده میشود. در بخش دوم با مراجعه به مطالعات کتابخانه ای پیرامون پدیدارشناسی و حس مکان مولفه های موثر بر حس مکان در میدان شهدا شمرده میشوند. در بخش بعدی براساس مولفه های مستخرج از بخش دوم به تحلیلی مبتنی بر پدیدارشناسی اول شخص (و مراجعه به میدان) در رابطه با دو دوره پس از انقلاب در میدان شهدا، میپردازیم و در پایان با مقایسه حس مکان در دوره های مختلف، نتیجه گیری خواهد شد.

## پیشینه تحقیق

پدیدارشناسی با ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) می‌کوشد واقعیت را دوباره کشف کند. اما نه واقعیتی جدا از انسان به شکل ابژه کانتی. "می‌اندیشم، پس هستم" دورخداد مهم یعنی تبدیل شدن انسان به سوژه و جهان به تصویر را در پی دارد. دو جوهر کاملاً متمایز (هایدگر: ۱۳۸۶) یعنی انسان مرکز نسبت های هر آنچه هست میشود و تمامی چیزهای دیگر، حقیقت خود را از انسان کسب میکنند و جهان چیزی جز بازنمایی جهان به وسیله انسان نیست.

پدیدارشناسی به مثابه جریان شناخت شناسانه توسط ادموند هوسرل و به مثابه جریان هستی شناسانه در دیدگاه هایدگر مطرح است. عدم التفات هوسرل به تاریخمندی و واقع بودگی و زمان مندی هایدگر را بر آن داشت تا در کتاب هستی و زمان روش پدیدارشناسی را منطبق بر روش هرمنوتیکی سازد و در این رویکرد مبنای دانش هرمنوتیک نه در فاعلیت ذهن شناسنده، بلکه در واقع بودگی جهان و تاریخمندی فهم قرار دارد.

پدیدارشناسی درصدد توصیف چگونگی تکوین جهان و تجربه مندی آن از طریق آگاهی است. پدیدار چیزی است که به خودی خود ظاهر است. یعنی آنچه خود را نشان میدهد نه از آن جهت که از چیز دیگری حکایت میکند یا مدلول چیز دیگری است. پدیدارشناسی نظریه پردازی نمیکند بلکه بر ملاحظه دقیق پدیدارها و سپس توصیف آنها می‌پردازد. انگونه که در نظر عاری از پیشداوری حضور میابند. وی با بکارگیری ابزار شهود و بصیرت و نیز استفاده از تحویل پدیدارشناسانه و تعلیق درنگش طبیعی استفاده میکند. منظور از تحویل آنست که تنها به صرف ماهیت اشیا عالم نظر شود. همچنین باید به رد ارجاع استعلایی به معنی کنارگذاری پیش انگاشتهای موجود از جهان و توجه به پدیده های جهان در شیوه دادگی آنها میباید.

هایدگر همچنین با طرح دازاین پدیدارشناسی را بسط میدهد. دازاین درحقیقت سوژه ای برفراز جهان نیست بلکه در جهان تنیده و جدایی ناپذیر است و با زیر سوال بردن دوگانگی انسان و جهان کانت، و تعریف انسان به عنوان دازاین، هویت انسان را در ارتباط با مکان تعریف میکند و به مکان به عنوان نخستین جلوه گاه تحقق انسانیت و بودن و زیستن انسانی تاکید میکند. به این ترتیب رویکرد پدیدارشناسی ۱ از اواخر دهه هفتاد قرن بیستم به بعد با ترجمه آثار مارتین هایدگر ۲ و گاستون باشلار ۳ به حوزه های تخصصی شهرسازی و معماری راه می‌یابد و بعدتر توسط پدیدارشناسان جدیدتر نظیر موریس مرلوپونتی ۴ بسط میابد. ادموند هوسرل ۵ و مارتین هایدگر بر معمارانی چون کریستین نوربرگ شولتز ۶، و موریس مرلوپونتی بر یوهانی پالاسما ۷ اثر نهادند. شولتز، مدل پدیدارشناسی خود پیرامون حس مکان را مبتنی بر مولفه های فضا ۸ و کاراکتر ۹ میداند.

او برای فضا مولفه های محصوریت ۱۰ و مرکزیت ۱۱، دیالکتیک درون و بیرون ۱۲، نیز مرز ۱۳ و قلمرو ۱۴ و نیز برای کاراکتر مولفه های جهت یابی ۱۵ یا خوانایی و نیز شناسایی یا هویت یابی ۱۶ را برمی‌شمرد که در شکل گیری حس مکان تاثیر دارند. (پرتوی، ۱۳۸۷)

1 phenomenology  
2 Martin Heidegger  
3 Gaston bacelard  
4 Maurice merleau-ponty  
5 edmund husserl  
6 Christian Norberg-schulz

7 juhani pallasmaa  
8 space  
9 character  
10 enclousure  
11 Concentration  
12 Outsideness

-Insideness dialectic  
13 Boundary  
14 Thershold  
15 orientation  
16 identification

فلسفه یوهانی پالاسما معماری چندحسی، نقدسلطه بینایی، واهمیت تجربه و فضای تجربه گرا را مورد تاکید قرار میدهد. وی با تاکید بر یعنی خلق فضایی که به بینایی وابسته نباشد و به دیگراندام های حسی و سیستم های حسی توجه نماید به وجوه زیر در معماری توجه میکند: هندسه و انتزاع ۱۷، جهان شمولی و فردیت ۱۸، زمان و ابدیت ۱۹، حقیقی و مجازی ۲۰، مکان و چشم انداز ۲۱، معماری و طبیعت ۲۲، استقلال و آزادی ۲۳، روح و بدن ۲۴، سنت و فرهنگ ۲۵، مدرنیته و تمایلات بدن ۲۶، معماری بر خورد و تضاد ۲۷. (پالاسما، ۱۳۹۰)

## روش تحقیق

در استفاده از روش پدیدارشناسانه ارتباط و تعامل تنگاتنگ فرد و جهان مطرح است. و محقق می کوشد با بهره گیری از تجربه گرایی بنیادین با پدیده روراست ۲۸ باشد تا واجازه دهد پدیده خود را در کلیت و پیچیدگی اش نشان دهد. به معنای تحقیق (پرتوی ۱۳۸۷: ۱۶۷) اگر مبنای تحقیق بر خورد دست اول با پدیده مد نظر باشد و تجربه شخصی محقق ملاک قرار گیرد رویکرد را تجربه گرا مینامند. در مقایسه با رویکرد اثباتی فهم پدیده از شناخت و آگاهی و حساسیت شخص پژوهشگر ناشی میشود و نه سازه های دست دوم و تیوری های پیشین. سه استراتژی برای تحقیق پدیدارشناسانه وجود دارد،

پیش نیازهای در پژوهش پدیدارشناسانه اول شخص شامل درگیری دست اول و طولانی محقق با پدیده و سعی در تعمق از طریق مشاهده دقیق یا عملیاتی مانند اسکس کشیدن، رسم نقشه ها و یادداشتهای روزانه و ... انجام می پذیرد و یا مشارکت در تجربه یا مصاحبه عمیق با افراد با تجربه است. بنابراین محقق، تجربه دست اول خودش را درباره پدیده و کیفیتهای آن ارائه می دهد. در پژوهش پدیدارشناسانه اگزستانسیال پایه و اساس، تعمیم تجربه ویژه افراد و گروههایی است که درگیر موقعیتهای واقعی هستند. این نوع رویکرد مستلزم چهار مرحله است:

شناسایی پدیده ای که پدیدارشناس به آن علاقمند است.

تهیه گزارش های توصیفی از پاسخگویی که پدیده مد نظر را تجربه کرده اند.

مطالعه دقیق گزارش پاسخگویان به منظور شناسایی اشتراکات و الگوهای اصلی و مهم.

ارائه نتایج به پاسخگویان و نیز همکاران تحقیق در قالب جلسه پرسش و پاسخ.

و در نهایت پژوهش هرمنوتیک که متکی بر تئوری و عمل تفسیر است. نکته مهم در این روش آن است که به وجود آورنده متن، معمولا برای توضیح درباره ی اثر خود حضور ندارد از این رو محقق باید روش هایی را بیابد تا بتواند معانی مندرج در متن مورد مطالعه (مانند شعر، نقاشی، چشم انداز و ...) را کشف نماید. از آنجا که تفسیر و تاویل هرگز کامل و بسته نیست در بسیاری موارد، محقق پدیدارشناس از رویکردهای قبلی و هرمنوتیک به صورت ترکیبی استفاده می کند.

برای تعیین تکنیکها و رویه های تحقیق، در بررسی پدیدارشناسانه هیچ دستورالعمل از پیش تجویز شده ای وجود ندارد و این نوع بررسی، مستلزم رویکردی خلاقانه در جریانی سیال از ارزش ها و تکنیک هاست. از خود گذشتگی، مهارت، خلاقیت، حساسیت، انعطاف و ارتباط صمیمانه با پدیده مورد بررسی، پیش نیاز هر نوع تحقیق پدیدارشناسی است (پرتوی، ۱۳۸۷) در این مقاله با توجه به کمبود وقت، از پژوهش پدیدارشناسانه اول شخص استفاده شده است. بنابراین در ابتدا با مطالعات کتابخانه ای

پژوهش های انجام شده در ارتباط با حس مکان و مولفه های آن و مقایسه مزایا و معایب راهبردهای کمی و کیفی و نیز مطالعه مبانی نظری تحقیق، در نهایت، نظریات کریستین نوربرگ - شولتس معمار پدیدارشناس نروژی، به عنوان مبانی نظری اصلی تحقیق برگزیده شد. در ضمن، نظریات و جدول ارائه شده توسط ادوارد رلف در ارتباط با سلسله مراتب دیالکتیک عرصه درونی

17 Geometry & abstraction  
18 Universality & indivisuality  
19 Time & eternity  
20 Reality & virtuality  
21 Place & scenery

22 Architecture (nature & architecture)  
23 Autonomy & freedom  
24 Spirit & body  
25 Tradition & culture

26 Modernism & current tendencies  
27 Architecture of collision  
28 open

- عرصه بیرونی ، به عنوان مکمل نظریات شولتس انتخاب شدند . سپس با استفاده از روش تحقیق توصیفی و با بهره گیری از رویکرد ترکیب (کیفی - کمی) با تاکید بیشتر بر راهبرد کیفی با مراجعه به اسناد شامل نقشه ها و تصاویر و نیز بازدید میدانی ، مولفه های حس مکان در هریک از دوره های زمانی بررسی گردید. در رابطه با دوره قبل از انقلاب نیز صرفا به بررسی تاریخی پرداخته میشود.

پرواضح است که در روش شناسی پژوهش ، پایبندی به اصول اساسی پدیدارشناسی و نیز تحقیق کیفی و به تبع آن ، استدلال استقرایی مد نظر قرار گرفته است .

مبانی نظری تحقیق در دو بخش ارایه میگردد: بخش اول مبانی نظری مشتمل بر توصیف میدان شهدا و دوره بندی آن ، بخش دوم شامل توصیف پدیدارشناسی حس مکان باتکیه بر نظریات شولتزاست.

## ۱- مبانی نظری

### ۱-۱- توصیف پدیده میدان شهدای مشهد

#### ۱-۱-۱- آشنایی با شکل گیری و تاریخچه میدان شهدای مشهد

در ساختار قدیم با توجه به مرکزیت حرم رضوی خیابان های سمت غرب آن بالا خیابان و قسمت شرقی پایین خیابان نام داشتند. نهر منشعب از چشمه گیلاس (۳۰ کیلومتری مشهد) از دروازه بالا خیابان (دروازه قوچان فعلی) وارد شهر میشد و دو آسیاب را به حرکت در میآورد و از پایین خیابان (پنجراه فعلی) خارج میشد. (شکل شماره ۱)






تصویر شماره ۱: قرارگیری میدان نسبت به حرم

(نگارنده)

درختان دوطرف این نهر و عنوان کوچه ها مانند سرآسیاب ، باغ هشتاباد ، باغ نادری ، باغ تولیت و... نشان از تاثیر توأمان آب و باغات و عملکرد در ذهن نام گذاران دارد. همچنین قنات موازی نهر نیز در همین قسمت آب عملکردهایی مثل غسل خانه و... را در کوچه و قبرستان حوض لقمان تامین میکرد. در محور شرقی - غربی با تعریض خیابان ها و منظم کردن مغازه ها و سنگفرش کردن نهر و نیز برچیدن آسیاب ها مواجهیم .

به عنوان اولین اقدام از سلسله اقدامات در راستای سیاست های نوسازی ، خیابان شهای شمالی جنوبی شاه رضا (تقاطع باغ نادری) و بعدا خیابان پهلوی (از خیابان ارگ) احداث شد. خیابان پهلوی به گونه ای مظهر تجدد محسوب میشد و در سال های بعد در امتداد جنوبی خود بسیاری از کاربری های مدرن شهری از جمله باغ ملی را در گرفت .

در نیمه دوم سال های ۱۳۲۰، خیابان فوزیه در جنوب ایجاد میشود. با امتداد خیابان پهلوی به شمال خیابان خواجه ربیع تاسیس شد و در قسمت شمال شرقی نیز با تخریب گرمابه وانبار سوخت آنه (گشته)، غسل خانه و بخشی از قبرستان حوض لقمان امتداد میابد و خیابان عشرت آباد تاسیس میشود. (شکل شماره ۲) حالا بابنا نهادن دومیدان مستطیل شکل بر ویرانه تاسیسات یاد شده و در دوسوی نهر آب و درختان موجود، ساختمان آتش نشانی مجاور خیابان خواجه ربیع و در کنار قبرستان و نیز اولین ساختمان بتن آرمه شهر که مربوط به شهرداری است در در حاشیه میدان جنوبی بنا نهاده میشود.

				
احداث خیابان شاه رضا	احداث خیابان پهلوی (تادروازه ارگ)	احداث خیابان فوزیه	احداث خیابان خواجه ربیع	استخوان بندی اولیه میدان شهدا
تصویر شماره ۲: شکل گیری میدان شهدا در دوران معاصر (طاش: ۱۳۷۵)				

### ۱-۱-۲- معرفی دوره های تغییرات در میدان شهدا



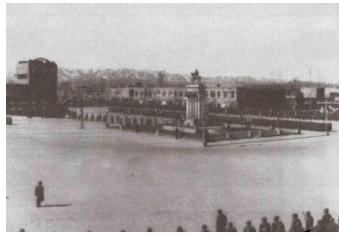


#### ۱-۱-۲-۱- دوره اول: ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۷

در حقیقت پس از شکل گیری اولیه میدان با خیابان کشی، مهمترین اتفاق برای تثبیت هویت میدان رخ میدهد. در مرکز میدان شمالی نیز مجسمه رضا شاه برپا میشود. (دقیقا در مرکز گلخن آب گرم سابق که محکم ترین جای ممکن بود) در سال ۱۳۱۹ نیز مجسمه برنزی سوار بر اسب رضاشاه که در خارج ساخته شده بود نصب شد. ساخت ساختمان شهرداری به دلیل جنگ جهانی دوم و اشغال ایران متوقف ماند و دوباره در سال ۱۳۲۰ ادامه یافت. در نهایت طرح به شکل ناقص بهره برداری شد و شهرداری در سمت شرق و اداره کشاورزی در سمت غرب ساختمان قرار گرفتند. میدان های دوسوی نهر هم تزیین شد.

در سال های دهه ۴۰ ساختمان شهرداری مطابق نقشه اصلی تکمیل شد و کاملا به شهرداری واگذار گردید. درخت های دو طرف نهر قطع شد و روی نهر پوشانده شد. و دوبخش جداگانه میدان یکپارچه شد.

در سال ۵۷ با سقوط رژیم مجسمه شاه در این میدان منهدم شد.

بخشی از اتفاقات مهم تاریخی در این میدان گویای نقش آن است. این میدان بیشتر به عنوان یک میدان حکومتی عرصه اتفاقات و برگزاری مراسمات و جشن های حکومتی بوده است. این میدان به لحاظ اجتماعی یکی از میادین مهم در راه پیمایی های انقلابی عمومی دهه ۵۰ بوده و پس از انقلاب نیز مقامات رژیم سابق در همین میدان اعدام شده اند.

		
۱۳۱۵	۱۳۲۰	۱۳۲۲ میدان مجسمه
		
	۱۳۴۹ میدان مجسمه	پایان میدان مجسمه ۱۳۵۷
مجموعه تصویر شماره ۳: مجموعه عکس های پیش از ۱۳۵۷ میدان شهدا (mashhadgardi.ir)		

#### ۱-۲-۱- دوره دوم: ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰

در سال های ۶۰ با برچیدن بیشتر گل ها و تبدیل شکل فلکه ای به چهارراه عملا کنترل ترافیک سواره مبنای تقسیم بندی هندسی واقع شد. و چندین بار طرح اصلاح هندسی راه و معبر باهدف بهبود وضعیت ترافیکی اجرا شد. آخرین این طرح ها مربوط به سال ۱۳۷۵ می باشد.

در این دوره همچنان ضلع شمالی میدان وضعیت نامناسب هندسی داشت که در پلان آن کاملا مشخص است. (تصویر شماره ۴) در کل این دوره عملا میدان شهدا به عنوان یک گره ترافیکی بزرگ مطرح بوده است.

با توجه به فاصله نزدیک تاحرم و حضور زائران بخصوص روستاییان اطراف مشهد و نیز با توجه به قرارگیری بسیاری از گاراژ های اتوبوس و مینی بوس ، این میدان محل حضور و تهیه مایحتاج روستاییان بوده است. قرارگیری گسترده اصناف از قبیل فروشگاه سموم کشاورزی و یا مایحتاج خواروبار فروشی به صورت فله و باقیمت مناسب تر عرضه میشوند گویای همین واقعیت است.

به لحاظ آیینی در سالیان پس از انقلاب عملکرد میدان عمدتا متمرکز بر مراسمات دولتی بوده است و با وجود قرارگیری دانشگاه پزشکی در امتداد منتهی به این میدان - ولی با فاصله طولانی - شاهد راه پیمایی مردمی نبوده است.





### ۱-۱-۲-۳ - دوره سوم: ۱۳۸۰ تا تکمیل طرح

در این دوره با اجرای سیاست های عالی بازسازی بافت فرسوده شهری ، مدیران شهری تصمیم میگیرند طرح ویژه ای برای مجموعه میدان شهدا و خیابان های اطراف تا حدود ۳۰ هکتار در نظر گرفته شود. (تصویر شماره ۵)  
در این طرح در مجموع در این دوره برای ایجاد یک مرکز مدنی در مجاورت حرم مطهر رضوی تاکید میگردد. (تصویر شماره ۶)  
اهداف اصلی اجرای طرح شامل موارد زیر است:

- با سازماندهی سه منطقه محدوده طرح نیاز های مشترک به طور هماهنگ رفع می شود.
  - مشکلات ترافیک در یکی از محوری ترین مراکز شهر کاهش می یابد و روان سازی رفت و آمد و آرامش نسبی برای شهروندان فراهم می سازد.
  - فضای باز و سبز شهری در محدوده طرح به دو برابر افزایش می یابد.
  - معماری و فضاهای زیبای شهری جایگزین بافت فرسوده می شود.
- محدوده طرح بزرگ میدان شهدا بیش از ۳۰ هکتار است که به سه قسمت اصلی تقسیم می شود، هشت آباد با گستره حدود ۵ هکتار، صاحب الزمان نیز با مساحت حدود ۵ هکتار و میدان شهدا که سطحی حدود ۲۰ هکتاری رابه خود اختصاص می دهد. عملیات اجرایی طرح در سال ۱۳۸۳ شروع شده است و از مجموعه پروژه های تعریف شده ۶۰ پروژه شامل است.  
(shohada-sq.mashhad.ir)



تصویر شماره ۶: نقش میدان شهدادر مجموعه شهری  
(نگارنده)

## ۱-۲- آشنایی با پدیدارشناسی

### ۱-۲-۱- پدیدارشناسی شولتز

کریستین نوربرگ شولتز در ماه مه ۱۹۲۶ در اسلو از پدری همانم خود و مادری به نام لاور الونده به دنیا آمد. پس از جنگ جهانی در زوریخ به ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۵۲ زیر نظر والتر گروپیوس در هاروارد و نیز در ام آی تی نزد میس و ندرروه مشغول به کار شد. وی تحت تاثیر هوسرل و هایدگر به پدیدارشناسی روی آورد.

هایدگر در کتاب "سکونت، ساختن، تفکر" دریافت هویت را از طریق "سکنی گزیدن" و در ارتباط با "فهم اشیاء" میدان و بر این اساس، رویکردی پدیدارشناسانه به هستی و مکان برای احراز هویت دارد. چنانچه فهم پدیدارها (بالاخص مکان) را دارای نقشی اساسی در بازیابی هویت و اصلت بشرمیداند. شولتز نیز بیان میکند که احراز هویت "گشودگی و باز بودن به روی شخصیت محیط" رانیز شامل میشود که در گذشته از آن تحت عنوان "روح مکان" یاد میکردند. این روح مکان، حس مکان را بدنبال دارد. شولتز حس مکان را پدیده ای کلی با ارزش های ساختاری میداند که در بستر "ادراک و جهت یابی" در فضا ممکن میشود.

کریستین شولتز از چهار شیوه سکونت بحث می کند: "آبادی" صحنه رخداد سکونت طبیعی، "شهر" مکانی برای دیدار و گزینش "و سکونت مجتمع، نهاد یا بنای عمومی که نشان دهنده "توافق بر و بیانگر ارزش ها و منافع مشترک است و خانه سکونتی که "لازمه شکل گیری و پرورش هویت ویژه فردی" است و سکونت خصوصی نامیده میشود.

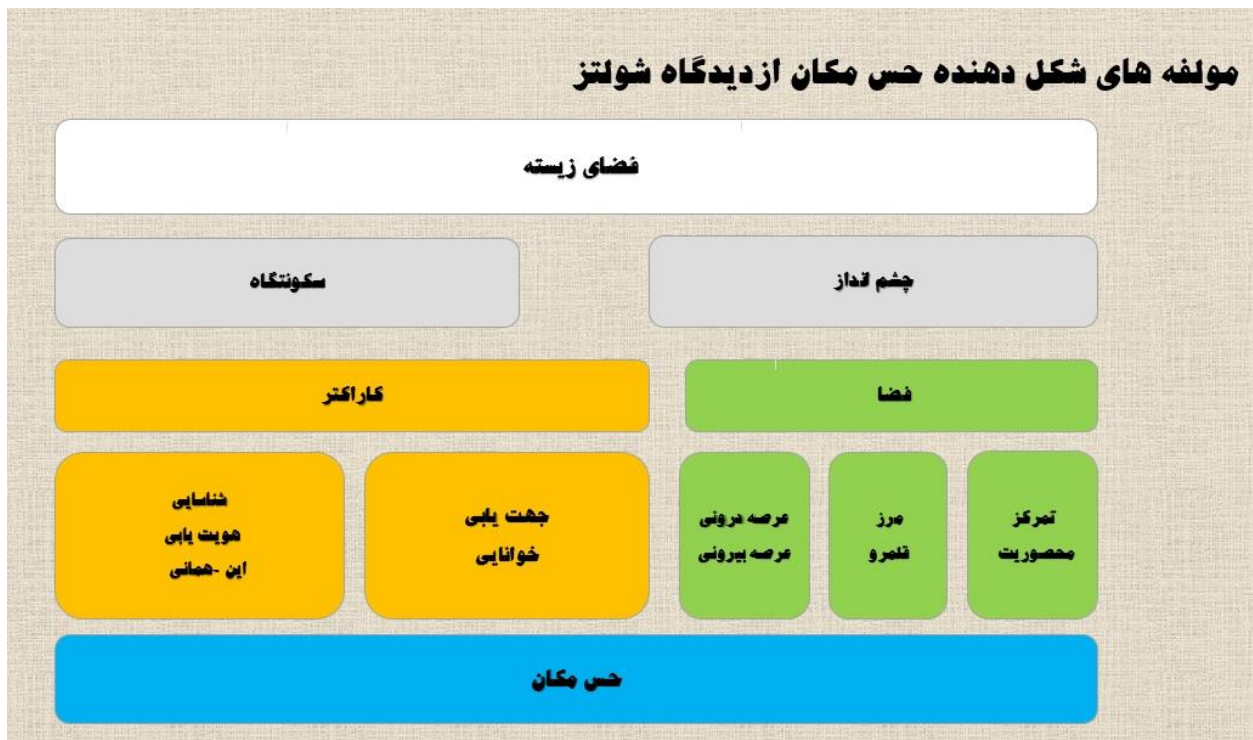
شولتز در رابطه با مکان و تصویر ذهنی شکل گرفته از آن که موجب ایجاد معنا و حس در مکان می شود، به سه اصل عمده و عامل تشکیل دهنده زبان معماری، اشاره دارد:

۱. گونه شناسی: به بُعد مفهومی معماری اشاره دارد و توسط نمادپردازی در مکان به انجام می رسد که به چهار ویژگی انسان؛ یعنی "۱. حالت روحی، ۲. فهمیدن، ۳. گفتگو و ۴. هستی با دیگران" اشاره دارد. گونه شناسی یا تیپولوژی خود را با تجلیات گونه های سکونت درگیر میسازد.

۲. مکان شناسی: این مفهوم از دیدگاه شولتز به بررسی خواص و امکانات فضای زنده یا واقعی به وسیله تاکید کار طراح بر نظم و ویژگی های محیط و استفاده از اصول گشتالتی و هندسه، تاکید دارد که خواص مکان را چیزهای واقع در آن که صفات ویژه ای دارند، مشخص می کند. وی در این رابطه به هستومندهای موجود در طبیعت اشاره دارد که از آنها به عنوان چیزهای واقع در آسمان از جنس رنگ و نور و غیره و در عین حال چیزهای موجود در زمین صخره ها، آبها و سبزه و گیاهان یاد می کند.

۳. ریخت شناسی: در این رابطه منظور وی، به چگونگی قرار گرفتن، ایستادن و چگونگی رابطه بیرون و درون فضا (دیالکتیک درون و بیرون) و یکی پنداری با فضای محیط و احساس محسوسیت و مرکزیت، مربوط می شود و از این طریق است که محیط کامل انگاشته می شود و معنا پیدا می کند و انسان هویت خود را باز می یابد. سیماشناسی مبین هستی بین زمین و آسمان و بررسی جهت گیری افقی و عمودی بنا و ایستادن و برخاستن و گشودن است. ریخت شناسی به ساختمادی کف و دیوار و بام میپردازد و اختصاراً "مرزهای فضا" را مورد بررسی قرار میدهد. ریخت شناسی مکان به دومفهوم فضا و کاراکتر ارتباط دارد. (شولتز: ۱۳۸۱)

این دومفهوم شکل دهنده "حس مکان" میباشد. (جدول شماره ۱)



جدول شماره ۱- مولفه های شکل دهنده حس مکان از دیدگاه کریستین نورنبرگ شولتز (پرتوی، ۱۳۸۷)

۱-۲-۲-۱- مولفه های سازنده حس مکان براساس دیدگاه پدیدارشناسانه شولتز

۱-۲-۲-۱- بررسی عوامل سازنده فضا

مولفه های فضا در مدل پدیدارشناسی کریستین شولتز شامل محصوریت و مرکزیت، دیالکتیک درون و بیرون، نیز مرز و قلمرو است. ارتباط درون- بیرون موجب می شود که فضاها درجه متنوعی از بسط و توسعه و حصار را در بر گیرند. در یک زمینه وسیع تر، هر حصاری به نوبه خود تبدیل به یک مرکز می شود که ممکن است به عنوان یک نقطه کانونی برای محیط اطراف خود عمل کند. ادوارد رلف معتقد است: مفهوم دیالکتیک درون و بیرون و محصوریت بیان کننده هسته اصلی ساختار سکونت در مکان است. درون در دیالکتیک با بیرون فضایی را میسازد و میتوان بیرون را به درون منتقل کرد یا در برابر آن سدی ایجاد کرد. نوربرگ شولتز در کتاب «معنی در معماری غربی»، بر اهمیت مرکز، در ساختار فضایی مکان تاکید می نماید و در این ارتباط می گوید: تصور مرکز باید به عنوان عنصری اساسی از فضای وجودی مورد توجه قرار گیرد. هر مکانی که در آن معنی آشکار می شود، در واقع یک مرکز است.

عرصه درونی وجودی	شامل حس وابستگی و راحتی در مکان بوده و این حس عمیق ترین نوع تجربه مکان است.
عرصه بیرونی وجودی	شخص حس می کند جدا از مکان یا خارج آن است. (حس بیگانگی، بی خانمانی و...)
عرصه بیرونی هدفمندانه	مکان، به عنوان یک شی، مجزا از فرد تجربه کننده مکان مورد مطالعه قرار می گیرد.
عرصه بیرونی ضمنی	موقعیتی که در آن، مکان صرفاً جایگاهی برای نوعی فعالیت است.
عرصه درونی رفتاری	موقعیتی که در برگیرنده دقت و توجه سنجیده و حساب شده به ظاهر مکان است.
عرصه درونی توأم با همدلی	موقعیتی که در آن شخص به عنوان یک فرد بیرونی تلاش می کند مکان را عمیقاً بشناسد.
عرصه درونی غیرمستقیم	موقعیتی که از درگیری عمیقاً دست دوم (از طرق نقاشی و داستان و...) با مکان مرتبط می شود.

جدول شماره ۲- سلسله مراتب هفتگانه دیالکتیک درون و بیرون از دیدگاه رلف (پرتوی، ۱۳۸۷)

هنوع محصوریتی به وسیله مرز تعریف میشود. مرز آن نیست که بعضی چیزها در آن متوقف شوند بلکه مرز جایی است که از آن بعضی چیزها شروع به حضور می کنند، اینکه مرز و قلمرو میدان شهدا کجاست و چه کیفیت کالبدی دارد و چه تاثیری در شکل گیری حس مکان دارد سوال این بخش ماست. خط مرزی نه تنها فضای داخلی را از بیرونی جدا میکند بلکه نقش تعیین کننده ای در تعیین کاراکتر بیرونی بنا و کاراکتر منظر شهری اطراف بنا نیز دارد. درمرز به گونه ای بیگانه و خودی جدا میشوند و یا نوعی گردهم آوردن.

قلمرو نیز ناحیه یا نواحی خاصی است که به طور فیزیکی یا از طریق برخی نمادها و مقررات ناحیه مربوط به یک فرد یا یک گروه را معرفی میکند. یک خیابان در ساعت متفاوت روز قلمرو افراد گوناگون قرار میگیرد و افراد در این قلمرو، قدرت دارند. در مجموع حس هویت فضایی، حس انحصارگرایی و کنترل ارتباط در فضا و زمان در قلمروها مشترک است.

## ۱-۲-۲-۲- بررسی عوامل سازنده کاراکتر

مولفه های کاراکتر در مدل پدیدارشناسی کریستین شولتز شامل جهت یابی یا خوانایی، شناسایی یا هویت یابی میباشد. منظور از جهت یابی (خوانایی) آن است که به آسانی بتوان اجزای شهر را شناخت. خوانا بودن محیط اشخاص را قادر به استفاده از محیط و پیش بینی آن می سازد و نوعی احساس امنیت می دهد.

از دیدگاه کوین لینچ، عوامل اصلی مؤثر بر خوانایی سیمای شهر عبارتند از: راه، لبه، محله، گره و نشانه. خوانایی (شناسایی) باعث امنیت احساسی، عاطفی و لذت بردن از محیط میشود. در واقع شناسایی، پایه ای برای حس تعلق داشتن انسان به محیط است. درجهت یابی با سه سوال مواجهیم: شخص در کجا قرار دارد؟ چگونه به جایی که میخواهد برود، برسد؟ چگونه میفهمد کجا وارد شده است. (لینچ، ۱۳۸۷)

صرف توجه به جهت یابی ما را دریافت کامل معنی محیط رهنمون نمیشود. سکونت بیش از هر عامل دیگر مستلزم شناسایی محیط است. شناسایی به معنی دوست شدن با محیطی خاص است، مثلاً انسان ساکن اروپای شمالی باید با مه، یخ و بادهای سرد دوست شود و از صدای غرغریب زیرپاهایش لذت ببرد و ارزش شاعرانه فرورفتن درمه را تجربه کند و انسان عرب، باید با بیابان شنی و خورشید سوزان دوست باشد.

معنای محیط به علاوه ساختارهای شامل عوامل درونی انسان و نیز شرایط محلی و فرهنگ شمای هویت یابی ما را میسازند اما ما در این جا و در تیوری های فضا بر معماری بر جنبه های فضایی آن تمرکز داریم:

نوع اول فضاهای عبوری و تک عملکردی است مانند یک بزرگراه که در آن انتظاری جز رسیدن به یخانه را از ان نداریم و دومی ذاتا چند گانه است و درنگ کردن را تشویق میکند و قابلیت تبدیل شدن به مکان را دارد.

خاطره مستلزم جهت گیری است. برای رفتن به هر جایی باید نخست از هدف و مقصد گفت. مکان باید کیفیت های بصری داشته باشد و مشخص و دریافتنی باشد تا حرکت به سوی ان واضح باشد. حس و حرکت و تمایل به سوی هدف مشخص با وضوح بصری و تکنیک هایی مانند (سایه اندازی ها، عقب نشینی عناصر و ورودی ها و تعریف انتهای مسیرها ایجاد میشود).

## منابع

- بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۷)، پدیدارشناسی مکان "سازمان شهرداریها و دهیاری های کشور، تهران
- پالاسما، یوهانی (۱۳۹۰) معماری ادراکات حسی؛ چشمان پوست، ترجمه رامین قدس، تهران، پرهام نقش.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۷)، پدیدارشناسی مکان تهران، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
- شولتس، نوربرگ - کریستیان (۱۳۵۳): هستی، فضا و معماری، ترجمه حافظی، محمد حسن، انتشارات کتاب فروشی تهران، تهران.
- شولتس، نوربرگ - کریستیان (۱۳۸۱): معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه احمدیان، سید علیرضا، موسسه معمار نشر، تهران.
- فلاح، محمد صادق (۱۳۸۵) "نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد" مجله هنرهای زیبا، ش ۲۲، تهران
- لینچ، کوین، (۱۳۸۷)، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، دانشگاه تهران، تهران.
- مدنی پور، علی (۱۳۷۹): طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی، ترجمه مرتضایی. فرهاد، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری: تهران.

- Relph, Edward (2008) "Disclosing the ontological depth of place: Heidegger's Topology by Jeff Maplas", Environmental & Architectural Phenomenology, No.1, winter.
- Relph, Edward (2009) "A Pragmatic Sense of Place", Environmental & Architectural Phenomenology, Vol. 20 No.3, Fall
- Seamon, David, & Sowers, Jacob (2008) "Place and Placeness", Edward Relph, Key texts in Human Geography, London..

## منابع اینترنتی

mashhadgardi.ir  
shohada-sq.mashhad.ir